

دیپلماسی عمومی و الگوی اسلامی آن

نوشته

مسعود اخوان کاظمی*

پروانه عزیزی**

چکیده

از مهم‌ترین تحولاتی که در دهه‌های اخیر در حوزه روابط بین‌الملل رخ داده است، ظهور بازیگران جدید در این عرصه مانند سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی (NGO)، شرکت‌های چندملیتی، جنبش‌های جهانی، گسترش رسانه‌ها و حتی افزایش نقش افراد در عرصه روابط بین‌الملل است. این رخداد منجر به شکل‌گیری و گسترش شکل جدیدی از دیپلماسی در عرصه ارتباطات جهانی، تحت عنوان «دیپلماسی عمومی»، شده است. این نوع دیپلماسی که مکمل دیپلماسی متعارف سنتی محسوب می‌شود، پس از رویداد ۱۱ سپتامبر به صورت گسترده‌تری مورد توجه سیاست‌گزاران خارجی دنیای غرب، و به ویژه آمریکا، قرار گرفته است.

پیشینه تاریخی دیپلماسی عمومی در آمریکا و غرب به بیش از یک سده باز نمی‌گردد، اما این شیوه دیپلماسی امروزه در دنیای غرب مورد توجه بسیار قرار گرفته است. در مقابل، کشورهای جهان سوم و دولت‌های اسلامی از این شیوه دیپلماسی کمتر بهره می‌برند؛ در حالی که دیپلماسی عمومی در اسلام دارای پیشینه‌ای طولانی است و تاریخچه کاربرد آن به دوران رسالت پیامبر(ص) بازمی‌گردد. در واقع، پیامبر اسلام (ص) در کنار استفاده از دیپلماسی در چارچوب سنتی و مرسوم آن، از دیپلماسی عمومی برای برقراری ارتباط با ملت‌ها و انجام رسالت جهانی خود استفاده کرده است.

کلیدواژه: دیپلماسی، دیپلماسی عمومی، سیاست خارجی، دیپلماسی عمومی پیامبر(ص).

* استادیار علوم سیاسی، دانشگاه رازی mak392@yahoo.com

** کارشناس ارشد اندیشه سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی parvaneh.azizi@yahoo.com

مقدمه

مهم‌ترین هدف پیامبر(ص) از زمان آغاز رسالت، دعوت ملت‌ها، اقوام و قبایل دیگر به اسلام و توسعه قلمرو نفوذ اسلام در بین ملت‌ها و جوامع مختلف بود. بدین منظور، پیامبر(ص) در کنار استفاده از دیپلماسی سنتی، از دیپلماسی عمومی و روش‌های متنوع آن (سیاسی، فرهنگی - تبلیغاتی، اقتصادی و بشردوستانه) بهره گرفته و بدین وسیله موفق گردید با مردم و افکار عمومی ارتباط برقرار کند و ضمن دعوت آن‌ها به اسلام و گسترش صلح و دوستی میان اقوام و ملت‌های مختلف، زمینه‌های گسترش و تحکیم تمدن اسلامی را در بخش اعظم دنیای آن زمان فراهم سازد.

در زمان حاضر، با توجه به تحولات جدید در عرصه بین‌الملل و اهمیت یافتن دیپلماسی عمومی در عرصه ارتباطات جهانی و موفقیت‌هایی که کشورهای غربی در دستیابی به اهداف و منافع خود با استفاده از این شیوه کسب کرده‌اند، شایسته است که کشورهای اسلامی و به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به پیشینه دیپلماسی عمومی در اسلام از این شیوه در سیاست خارجی خود استفاده کرده تلاش کنند تا با ملت‌ها، نخبگان، گروه‌ها و سازمان‌های غیردولتی اثرگذار در سایر کشورها ارتباط برقرار کنند و بدین وسیله زمینه را برای گسترش اهداف و منافع جهان اسلام و تغییر نگرش در رفتار دیگر حکومت‌ها را فراهم کنند.

این مقاله در صدد پاسخگویی به این سؤال است که با توجه به اهمیت یافتن دیپلماسی عمومی در عرصه تصمیم‌گیری و اثرگذاری در روابط بین‌الملل، کشورهای اسلامی چگونه می‌توانند از ظرفیت‌های موجود در مبانی دینی خود به منظور استفاده از این شیوه دیپلماسی بهره‌جویند؟ مدعای نوشتار حاضر این است که پیشینه تاریخی دیپلماسی عمومی در جهان اسلام گسترده‌تر و طولانی‌تر از غرب است و به آغاز رسالت پیامبر(ص) بازمی‌گردد. از این‌رو، کشورهای مسلمان و به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران می‌توانند با استفاده از الگوی اسلامی دیپلماسی عمومی به اهداف و منافع خود در عرصه بین‌الملل دست یابند.

در این راستا، در بخش اول مقاله، تعریف دیپلماسی عمومی، سیر تحولات و شیوه‌های به‌کارگیری آن بررسی می‌شود و در بخش دوم، قالب‌ها و مبانی دیپلماسی عمومی پیامبر(ص) تحلیل و ارزیابی می‌شود.

۱. دیپلماسی عمومی (public diplomacy)

در این بخش ضمن تعریف دیپلماسی عمومی، تفاوت آن با مفاهیم مرتبط و نزدیک با آن مانند دیپلماسی سنتی، روابط عمومی (public relations) و تبلیغات (propaganda) بررسی می‌شود.

۱-۱. تعریف دیپلماسی عمومی

دیپلماسی عمومی که گاهی آن را دیپلماسی مردمی، دیپلماسی آشکار و یا قدرت نرم (soft power) می‌نامند، در محافل علمی و دانشگاهی و در سیاست خارجی آمریکا بیش از هر کشور دیگری مورد توجه و مذاقه قرار گرفته است.

اصطلاح دیپلماسی عمومی برای اولین بار در آمریکا و در سال ۱۹۶۵م. توسط ادموند گولوین، رئیس دانشکده حقوق و دیپلماسی فلچر دانشگاه تافت و همزمان با افتتاح «مرکز ادوارد مور برای دیپلماسی»، به کار گرفته شد. این مرکز، دیپلماسی عمومی را فرایند اثرگذاری بر نگرش‌های عمومی برای شکل‌دهی و اجرای سیاست خارجی و شامل ابعادی از روابط بین‌الملل می‌داند که فراتر از دیپلماسی سنتی است (ولف و روزن، ۱۳۸۴: ۹۴). در «فرهنگ واژگان اصطلاحات روابط بین‌الملل» که توسط وزارت امور خارجه آمریکا در سال ۱۹۸۵م. منتشر شده، در تعریف دیپلماسی عمومی چنین آمده است: «دیپلماسی عمومی به برنامه‌های تحت حمایت دولت اشاره دارد که هدف از آن‌ها، اطلاع‌رسانی یا تحت‌تأثیر قرار دادن افکار عمومی در کشورهای دیگر است. ابزار اصلی آن نیز انتشار متن، تصاویر متحرک، مبادلات فرهنگی، رادیو و تلویزیون است» (کگلی و وتیکف، ۱۳۸۲: ۱۹۲).

هانس تاج نویسنده کتاب «ارتباط با جهان»، دیپلماسی عمومی را «تلاش‌های رسمی دولت برای شکل‌دهی محیط ارتباطات در خارج می‌داند؛ به گونه‌ای که سیاست خارجی قابلیت اجرا بیابد و میزان ناآگاهی‌ها و شناخت‌های نادرست از روابط پیچیده بین کشورها کاهش یابد» (Melissen, 2005: 36). در تعریفی دیگر، مارتین مینینگ، کتابدار ارشد اسناد دیپلماسی عمومی وزارت امور خارجه آمریکا، دیپلماسی عمومی را «شامل برنامه‌های مرتبط با انتشار کتاب و تشکیل کتابخانه‌ها، پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیونی بین‌المللی، اجرای طرح‌های مبادلات آموزشی و فرهنگی، آموزش زبان، برگزاری نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های هنری و اعزام هنرمندان نمایشی و اجرایی به خارج از کشور می‌داند» (میناوند، ۱۳۸۳: ۲۴۳).

به اعتقاد جین بیگلر، نکات با اهمیت در دیپلماسی عمومی، این است که «چگونه می‌توان از طریق جلب نظر مردم (یا بخشی از مردم) سایر کشورها برای اعمال فشار بر دولت‌های خود، در جهت حمایت از اهداف مورد نظر دست یافت» (Bigler, 2005).

برای فهم بهتر مفهوم دیپلماسی عمومی لازم است که مرز آن با دیپلماسی سنتی، روابط عمومی و تبلیغات مشخص شود. بدین منظور در اینجا ضمن تعریف مفاهیم دیپلماسی سنتی، روابط عمومی و تبلیغات، تفاوت آن‌ها با دیپلماسی عمومی، بررسی می‌شود.

۱-۲. تفاوت دیپلماسی عمومی با دیپلماسی سنتی

دیپلماسی در مفهوم سنتی و متعارف خود در علم سیاست در چارچوب‌ها و معانی زیر به کار برده می‌شود:

۱. علم یا هنر تنظیم روابط بین دولت‌ها با رعایت تقدم منافع ملی؛
۲. فن مذاکره و همسازی در سیاست بین‌الملل؛
۳. روش‌های حفظ و ارتقای منافع و امنیت ملی در عرصه بین‌المللی (آشوری، ۱۳۷۱: ۱۶۹)؛
۴. کارکرد و روش دستگاه اداره‌کننده روابط بین‌المللی کشورها (وزارت امور خارجه) و تخصص کارکنان آن؛
۵. مدیریت رسمی و قانونی روابط بین دولت‌ها با اتکاء بر نزاکت و درایت (آقابخشی، ۱۳۸۳: ۱۸۳).

با توجه به تعاریفی که از دیپلماسی سنتی یا رسمی ارائه شد، می‌توان مهم‌ترین تفاوت‌های میان دیپلماسی سنتی یا رسمی با دیپلماسی عمومی را چنین بر شمرد:

۱. دیپلماسی عمومی شفاف است و در سطح وسیعی نشر و گسترش می‌یابد؛ درحالی‌که دیپلماسی رسمی غیرشفاف و مبهم است و به‌صورت کاملاً محدود منتشر می‌شود.
 ۲. دیپلماسی عمومی توسط دولت‌ها به گروه‌های گسترده‌تری از مردم (به عنوان نمونه مردم خاورمیانه یا جهان اسلام) و به‌صورتی گزینشی منتقل می‌شود؛ درحالی‌که مخاطبان دیپلماسی رسمی، صرفاً دولت‌ها و حکومت‌های دیگر می‌باشند (Leonard, 2002: 147).
 ۳. موضوعاتی که در دیپلماسی رسمی مطرح می‌شوند، به رفتار و سیاست‌های سایر دولت‌ها ارتباط پیدا می‌کنند؛ در حالی که موضوعات دیپلماسی عمومی به رفتار و تمایلات عمومی مردم دیگر کشورها و جوامع مربوط می‌شوند (ولف و روزن، ۱۳۸۴: ۹۵).
- نیکلسون نیز در بررسی تفاوت‌های میان دیپلماسی سنتی و نوین معتقد است که از جمله ویژگی‌های دیپلماسی قدیم، می‌توان به پنهان‌کاری، غیرمردمی بودن، روابط دوجانبه، عمل‌گرایی و بازیگران محدود اشاره کرد؛ درحالی‌که، دیپلماسی نوین دارای ویژگی‌هایی نظیر آشکار بودن، مردمی بودن، چندجانبه‌گرایی و مشارکت گسترده است و به‌ویژه در دیپلماسی عمومی، احترام به ملت‌ها بیش از احترام به دولت‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد» (سلطانی فر، ۱۳۸۶).

۳-۱. تفاوت دیپلماسی عمومی با روابط عمومی

روابط عمومی عبارت از تأمین و ارائه اطلاعات به عموم، مطبوعات و سایر نهادها در خصوص اهداف، سیاست‌ها و فعالیت‌های دولت یک کشور است. روابط عمومی در پی تقویت درک این اهداف از طریق گفت‌وگو با شهروندان و سایر گروه‌ها، نهادها و رسانه‌های محلی و بین‌المللی است (میناوند، ۱۳۸۳).

در روابط عمومی و دیپلماسی عمومی، هدف اثرگذاری بر افکار عمومی از طریق رسانه‌ها و نهادها و مؤسسات غیردولتی خصوصی است؛ اما میان این دو تفاوت مهم و ظریفی وجود دارد و آن اینکه در روابط عمومی، مخاطبان داخلی در مرکز توجه قرار می‌گیرند، درحالی‌که هدف در دیپلماسی عمومی اثرگذاری بر مخاطبان خارجی است (Melissen, 2005: 16).

۴-۱. تفاوت دیپلماسی عمومی با تبلیغات

برخی از نظریه پردازان حوزه روابط بین الملل مانند پروفیسور مولانا، ناسی اسنوه، اون استفر نویسنده کتاب «واقعیت جهانی ساده لوح» و ویلسون دیزارد معتقدند که دیپلماسی عمومی همان پروپاگانداست (میناوند، ۱۳۸۳). پروفیسور مولانا در توضیح اظهارات خود معتقد است که غرب همواره تلاش کرده با تبلیغات وسیع سیاسی و استفاده از زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی و پروپاگاندا، محیط سیاسی و افکار ملی و بین المللی را تحت تأثیر پیام‌ها، سیاست‌ها و اهداف خود قرار دهد و بدین ترتیب، از طریق رسانه‌های مدرن و سازمان‌های بین المللی امروزی، دستور روز را برای مخاطبان تعیین کند؛ برخی از ابعاد این تبلیغات و پروپاگاندا به دیپلماسی عمومی معروف شده است (مولانا، ۱۳۸۳).

بدین ترتیب، با جمع بندی مطالب ارائه شده می توان گفت که دیپلماسی جدید که امروزه دیپلماسی عمومی نامیده می شود، مردم یا ملت‌ها را در کانون توجه خود قرار می دهد و دولت‌ها تلاش می کنند تا از طریق رسانه‌ها، سازمان‌های بین المللی، شرکت‌های چندملیتی، سازمان‌های غیردولتی و حتی نهادهای فرهنگی و مؤسسات آموزشی به اثرگذاری بر جمعیت‌های هدف در سیاست‌های خارجی خویش پردازند (Snow & tylor, 2009: 166).

در واقع، تقلیل حاکمیت دولت‌ها، رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات، وجود بازیگران و سازمان‌های غیر دولتی، و گسترش آگاهی‌های مردم در سطح جهانی باعث ایجاد تحول در مفهوم دیپلماسی سنتی و متعارف شده است؛ به گونه‌ای که امروزه دولت‌ها علاوه بر تلاش‌های رسمی و قانونی خود در راستای اثرگذاری بر مقامات رسمی کشورهای دیگر و سیاست‌های آن‌ها، اقدامات گسترده و برنامه‌ریزی‌های هدفمندی را در جهت ایجاد تفکرات، گرایش‌ها و رفتارهای مورد نظر خود در بین ملت‌ها و کشورهای دیگر سازماندهی و اجرا می کنند تا از این طریق نیز منافع ملی و اهداف فرامرزی خود را تحقق بخشند (Leonard, 2002: 19).

۵-۱. روش‌ها و شیوه‌های دیپلماسی عمومی

دیپلماسی عمومی در راستای دستیابی به اهداف مورد نظر خود، از روش‌ها و شیوه‌های متنوعی بهره می گیرد که در همه آن‌ها، ایجاد تأثیر بر اعتقادات، افکار، تمایلات، گرایش‌ها و رفتارهای مردم کشورهای دیگر و افکار عمومی ملت‌ها محور اساسی را تشکیل می دهد. در زیر به برخی از مهم‌ترین روش‌های مورد استفاده در دیپلماسی عمومی اشاره می شود:

۵-۱-۱. تبدلات فرهنگی و آموزشی

در این روش از طریق برنامه‌هایی مانند تبادل اساتید دانشگاهی و دانشجویان، مبادلات کلاسیک، آموزش زبان، ایجاد مؤسسات فرهنگی و آموزشی در کشورهای هدف، ارائه

کمک‌های مالی یا سازمانی به دانشگاه‌ها و نخبگان، اعطای بورس‌های تحصیلی، اعزام گروه‌های هنری و نمایشی، دعوت از هنرمندان و نخبگان و اقداماتی مشابه، تلاش می‌شود تا ضمن ارائه تصویری مثبت از کشور مورد نظر، نوعی نزدیکی و قرابت فکری و اعتقادی بین گروه‌های هدف با اهداف و سیاست‌های این کشور ایجاد شود (Snow & taylor, 2009: 50). در واقع، دیپلماسی عمومی در این چارچوب، ارتباط چهره به چهره و مستقیم با خواص یا نخبگان جامعه مورد نظر را به گونه‌ای طراحی و دنبال می‌کند که بتواند این افشار را، که از جایگاه و تأثیر ویژه-ای در جامعه خود برخوردار می‌باشند، تحت تأثیر اعتقادات، گرایش‌ها و سیاست‌های مورد نظر خویش قرار دهد.

۱-۵-۲. انتشار کتب، نشریات و تولیدات هنری

سالانه هزاران کتاب و نشریات مختلف به زبان‌های متفاوت توسط دستگاه دیپلماسی عمومی کشورهای مختلف در جهت شکل‌دهی به افکار عمومی جوامع هدف و اثرگذاری بر آنها چاپ و منتشر می‌شوند. همچنین، در این راستا از تولیدات هنری متنوعی مانند فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی، گروه‌های نمایشی، موسیقی، نقاشی، کاریکاتور و غیره نیز در دیپلماسی عمومی به نحوی بهره‌برداری می‌شود. در سال‌های اخیر نشریات اینترنتی، وب‌نوشت‌ها و وب‌گاه‌ها در دنیای مجازی نیز در خدمت دیپلماسی عمومی قرار گرفته‌اند (Melissen, 2005: 203).

۱-۵-۳. رسانه‌ها

هزاران ایستگاه رادیویی و تلویزیونی با به‌کارگیری زبان‌های متنوع در سراسر جهان، اهداف دیپلماسی عمومی کشورهای مختلف را دنبال می‌کنند. در اینجاست که دیپلماسی عمومی به پروپاگاندا یا تبلیغات نزدیک می‌شود و تلاش می‌کند تا برنامه‌ها و اهداف مورد نظر دستگاه سیاست خارجی را از طریق رسانه‌های دیداری و شنیداری در کشورها و جوامع هدف تحقق بخشد و افکار عمومی آنها را به‌صورتی هدفمند دستکاری (manipulation) کند (Leonard, 2002: 8).

۱-۵-۴. سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی

بنیادها، مؤسسات و سازمان‌های غیردولتی متعددی توسط برخی کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا در جهت فعالیت در کشورهای هدف و گسترش افکار و ایده‌های موافق سیاست‌های غرب در بین مردم آنها تشکیل شده‌اند که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به بنیاد سوروس (soros foundation) اشاره کرد. این سازمان‌ها و مؤسسات در سال‌های اخیر از چنان نفوذ و فعالیت‌های گسترده‌ای در برخی جوامع هدف برخوردار شده‌اند که حتی گاهی توانسته‌اند زمینه‌های بروز انقلاب‌های رنگی (Colour Revolutions) یا مخملی را در آنها فراهم کنند (مانند انقلاب‌های رنگین در کشورهای گرجستان، اوکراین و قرقیزستان).

۲. دیپلماسی عمومی حضرت پیامبر(ص)

دیپلماسی عمومی مفهومی نسبتاً جدید است و تاریخچه‌ای طولانی از ادبیات مربوط به آن در حوزه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی در دست نیست، اما با توجه به روش‌هایی که پیامبر اسلام (ص) در ابلاغ دعوت الهی و گسترش پیام اسلام در بین ملت‌ها، قبایل و گروه‌های انسانی مختلف به کار گرفته است، می‌توان ادعا کرد که این نوع دیپلماسی در اسلام از سابقه طولانی برخوردار است و اساساً اسلام توجه به ملت‌ها و ارتباط با افکار عمومی را در رأس اقدامات دیپلماتیک و مراودات خارجی قرار داده و در مقایسه با دیپلماسی سنتی و ارتباطات دولتی و حکومتی، تقدم و اولویت را برای دیپلماسی عمومی و روابط مردمی قائل شده است.

در واقع، کاربرد دیپلماسی عمومی توسط حضرت پیامبر(ص) با آغاز رسالت آن حضرت هم‌زمان بوده است. پیامبر(ص) از همان آغاز رسالت خویش که بر مبنای توحید و یکتاپرستی بود، ارتباط با ملت‌ها و گروه‌های مختلف انسانی را به‌طور جدی در دستور کار خود قرار داد و در هنگام حضور در مکه، یعنی قبل از هجرت و تشکیل دولت اسلامی، با روش‌هایی متنوع از دیپلماسی عمومی در راه بسط و دعوت الهی خویش بهره می‌گرفت. آن‌گاه نیز که آن حضرت به مدینه هجرت کرد و دولت اسلامی را تشکیل داد، در کنار دیپلماسی سنتی، همچنان از دیپلماسی عمومی و روش‌های آن استفاده می‌کرد. بدیهی است ابزارها و شیوه‌هایی که پیامبر(ص) در دیپلماسی عمومی خود به کار می‌گرفت، با آنچه که امروزه در این چارچوب استفاده، متفاوت است. باین‌حال، وجه اشتراک دیپلماسی عمومی پیامبر(ص) با دیپلماسی عمومی در عصر کنونی، مخاطبان این نوع دیپلماسی هستند؛ زیرا در هر دو نوع دیپلماسی، هدف مجریان دیپلماسی عمومی اثرگذاری بر افکار عمومی ملت‌ها در جهت دستیابی به اهداف مورد نظر آن‌هاست.

در این بخش از مقاله، چگونگی کاربرد دیپلماسی عمومی و روش‌های آن توسط پیامبر(ص) اسلام مورد بررسی و تجزیه و تحلیل می‌شود تا بتوان در پرتو آن، از این روش‌ها در جهت بسط و گسترش اهداف دعوت اسلامی و نظام جمهوری اسلامی در بین ملت‌ها و جوامع دیگر استفاده کرد و عمق راهبردی و قلمرو نفوذ این نظام را افزایش داد.

۲-۱. اهداف و روش‌ها

پیش از پرداختن به روش‌های به‌کار گرفته شده در دیپلماسی عمومی پیامبر(ص)، باید به اهداف این دیپلماسی اشاره کرد.

مهم‌ترین اهداف دیپلماسی عمومی پیامبر(ص) عبارت بودند از:

۱. پیامبر(ص) اصل دعوت به اسلام را در دیپلماسی عمومی خویش به عنوان یک اصل بنیادی و محوری دنبال می‌کرد و آن را مبنای اقدامات دیپلماتی خود قرار می‌داد.

۲. دومین هدف مهم در دیپلماسی پیامبر(ص)، توسعه قلمرو نفوذ دولت اسلامی در راستای رسالت جهانی اسلام و به منظور تأمین قدرت و امنیت مسلمانان و گسترش صلح در بین ملت‌ها و جوامع مختلف بوده است (سجادی، ۱۳۸۲: ۲۵۱).

بدین ترتیب، دیپلماسی عمومی پیامبر(ص) دربرگیرنده اقدامات و تلاش‌هایی است که آن حضرت (ص) در دوران رسالتش به منظور دعوت مردم به خداپرستی و توحید، از طریق نفوذ و اثرگذاری بر افکار عمومی با استفاده از ابزارهای سیاسی، تبلیغی - فرهنگی، بشردوستانه، حقوقی و اقتصادی انجام می‌داده است.

همان‌گونه که در ابتدای بحث گفته شد، آغاز رسالت پیامبر(ص) با شروع دیپلماسی عمومی آن حضرت (ص) هم‌زمان بوده است. در واقع، مکه به دلیل دارا بودن ویژگی‌های منحصر به فرد خود، زمینه را برای اجرای روش‌های دیپلماسی عمومی پیامبر(ص) و تحقق اهداف آن فراهم می‌ساخت. از جمله ویژگی‌های مکه در این زمینه، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

— اعراب، کعبه را خانه خدا و ساخته دست حضرت ابراهیم (ع) می‌دانستند؛ برای آن احترام خاصی قائل بودند و از هر سو برای انجام مراسم حج به مکه می‌آمدند.

— مکه یک مرکز تجاری محسوب می‌شد و محل رفت و آمد کاروان‌هایی بود که از شمال به جنوب یا از غرب به شرق می‌رفتند: از این رو، مکه محل رفت و آمد بسیاری از تجار آن روزگار بود.

— مکه دارای حرمت بود و ماه‌های حرام هم عاملی بود تا قبایل در ماه‌های مزبور به راحتی و با احساس امنیت و با اطمینان از عدم حمله قبایل دیگر بتوانند به مکه و بازارهای اطراف آن بروند (جعفریان، ۱۳۸۷: ۳۱۹).

پیامبر(ص) با درک این ویژگی‌ها و با به کارگیری روش‌هایی کارآمد در حوزه دیپلماسی عمومی توانست نهضتی عظیم را در شبه جزیره عربستان آغاز کند که دامنه آن در سال‌های بعد بخش عمده‌ای از جهان را در بر گرفت. *رساله جامع علوم اسلامی* می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. روش سیاسی (مذاکره با مردم، نخبگان و نمایندگان)؛

۲. روش فرهنگی - تبلیغاتی (اعزام مبلغان)؛

۳. روش حقوقی (انعقاد پیمان‌ها و قراردادهای سیاسی)؛

۴. روش اقتصادی (تألیف قلوب)؛

۵. روش بشردوستانه (عتق و فک رقبه).

۱-۲-۱. روش سیاسی (مذاکره با مردم، نخبگان و نمایندگان)

پیامبر(ص) در سال‌های اولیهٔ رسالت خود و در دوران دعوت پنهانی، به مذاکرهٔ رودررو با افراد عادی، نخبگان و افراد با نفوذ می‌پرداخت و مستقیماً آن‌ها را به اسلام دعوت می‌کرد. آن حضرت (ص) با روش‌های مبتنی بر موعظهٔ حسنه و تکیه بر مبانی فطرت انسانی، کسانی را مورد خطاب قرار می‌داد که زمینه‌های درونی برای گرایش به توحید و جذب اسلام را داشتند (جعفریان، ۱۳۶۷: ۶۷-۶۹). در این دوران افرادی مانند حضرت خدیجه، حضرت علی (ع)، زیدبن حارث، مصعب و ابوذر به پیامبر(ص) ایمان آوردند.

ابن هشام در این خصوص چنین می‌گوید: «رسول خدا (ص) دربارهٔ رسالتی که خداوند بر عهدهٔ او نهاده بود، به‌طور پنهانی برای کسانی از اهلیش که مورد اطمینانش بودند، سخن می‌گفت» (ابن هشام، ۲۰۰۰: ۲۴۶). زهری می‌گوید: «رسول خدا (ص) به‌طور سری اطرافیان خود را به اسلام دعوت می‌کرد؛ از بت‌ها دوری می‌جست تا آنکه شماری از جوانان و ضعیفان از مردم دعوت او را اجابت کردند و تعداد مسلمانان فراوان شد» (بلاذری، ۱۹۷۷: ۱۱۵).

با آغاز دعوت علنی، پیامبر(ص) به‌دستور خداوند رسالت خویش را به اقوام و خویشاوندان خود اعلام کرد و آن‌ها را به پذیرش اسلام دعوت کرد. اگرچه در این دعوت آن‌ها بلافاصله به آن حضرت ایمان نیاوردند، اما به تدریج مسلمان شدند» (همان: ۱۱۸). پیامبر(ص) پس از دعوت عشیرهٔ نزدیک خود جلساتی تشکیل داد تا از عموم مردم مکه دعوت کند. سیره‌نویسان این جلسات را نزدیک کوه صفا نوشته‌اند. به گزارش واقدی از ابن عباس، آن حضرت (ص) در نزدیک کوه صفا قریش را صدا کرد و با استناد به صداقت خود و گرفتن تأیید از مردم در این باره فرمود: ای فرزندان عبدالمطلب! ای فرزندان عبدمناف! ای بنی‌زهره!... سپس همهٔ طوایف قریش را خطاب کرد و فرمود خداوند به من دستور داده تا شما را انذار کنم، خیر دنیا و آخرت شما در گفتن لا اله الا الله است (همان: ۱۲۰). طی سال‌های بعد، پیامبر(ص) تمام مردم عرب را مورد خطاب قرار داد و برای این منظور از ویژگی‌های منحصربه‌فرد مکه (تقدس مکه و مرکز تجارت‌بودن آن) استفاده کرد. در ایام حج که اعراب از سراسر جزیرهٔ العرب به مکه می‌آمدند، رسول خدا (ص) از این فرصت استفاده می‌کرد به میان قبایل می‌رفت و افراد، نخبگان و نمایندگان آنان را به اسلام دعوت می‌کرد و در اثر همین تماس‌های مستقیم بود که زمینهٔ گرویدن مردم یثرب به اسلام فراهم شد (السمهودی، ۱۹۵۵: ۲۲۲). در واقع، موقعیت مکه ضمن آنکه این امکان را برای پیامبر(ص) فراهم می‌ساخت که با افراد و گروه‌های مختلف در تماس باشد، این وضعیت را نیز ایجاد می‌کرد که خبر ظهور اسلام به سایر مناطق شبه جزیرهٔ عربستان هم برسد.

در سال دهم بعثت زمانی که ابوطالب عموی پیامبر(ص) و حضرت خدیجه درگذشتند، آزار و اذیت قریش نسبت به پیامبر(ص) افزایش یافت و این فشارها باعث گردید تا پیامبر(ص) در دیپلماسی عمومی خود، شیوهٔ دیگری را برگزیند تا بدان وسیله هم اسلام را از حصار مکه خارج

کند و هم آن را گسترش دهد. بدین ترتیب، سفرهای تبلیغی و دیپلماتی خود پیامبر(ص) آغاز گردید. در این راستا، پیامبر(ص) برای تبلیغ اسلام و جلب حمایت قبیلهٔ ثقیف که در طائف زندگی می‌کردند، به طائف سفر کرد تا به‌طور مستقیم و چهره به چهره اسلام را بر مردم قبیلهٔ ثقیف عرضه کند (میرزاخانی، ۱۳۶۹: ۵۲). پیامبر(ص) هنگام ورود به طائف، نزد بزرگان و اشراف طائف رفت تا آن‌ها را به اسلام دعوت کند، اما هیچ‌یک از آن‌ها دعوت پیامبر(ص) را نپذیرفتند. سرانجام پیامبر(ص) مایوس و ناامید از اسلام آوردن قبیلهٔ ثقیف، به مکه بازگشت. در مسیر بازگشت پیامبر(ص) به مکه، بزرگان طائف مردم را برای آزار پیامبر(ص) تحریک کردند که موجب جراحت پیامبر(ص) شد. پیامبر(ص) برای رهایی از آزار آن‌ها به کنار تاکستانی پناه برد و آنجا با خدا به مناجات پرداخت. صاحبان باغ که پیامبر(ص) را رنجور و زخمی دیدند، غلام نصرانی خود به نام «عداس» را با ظرفی انگور نزد حضرت فرستادند. گفت‌وگوی عداس با پیامبر(ص) و پرسش‌های او از آن حضرت و پاسخ‌های پیامبر(ص) به وی، باعث اسلام آوردن عداس شد (حیدری آقایی، ۱۳۸۳: ۴۲). بعدها پیامبر(ص) به سبب اینکه در این سفر دیپلماتی توانسته بود شخصاً یک نفر را به اسلام وارد کند، از آن به عنوان یک سفر موفقیت‌آمیز یاد می‌کرد.

یکی از مهم‌ترین موفقیت‌ها در دیپلماسی عمومی پیامبر(ص) در دوران اقامت آن حضرت در مکه، اسلام آوردن مردم یثرب بود که زمینه را برای هجرت پیامبر(ص) از مکه به مدینه فراهم کرد. پیامبر(ص) در ایام حج مردم را به اسلام دعوت می‌کرد و حجاج پس از بازگشت به قبیله و وطن خود راجع به اسلام صحبت می‌کردند و هر سال تعداد بیشتری از مردم به پیام الهی متوجه و متمایل می‌شدند و نزد پیامبر(ص) می‌آمدند. بارزترین این افراد مردم یثرب بودند. در مورد اسلام آوردن مردم یثرب نقل شده است که پیامبر(ص) با جمعیتی از مردم یثرب که تعدادشان بیش از هجده نفر نبود، در ایام حج ملاقات و دعوت خویش را به آنان عرضه کرد. آن‌ها همگی اسلام آوردند و به پیامبر(ص) وعدهٔ حمایت از وی را دادند. این گروه مسلمان در بازگشت از مکه، مردم مدینه را به اسلام دعوت کردند و تا سال آینده که قرار بود با پیامبر(ص) در مکه ملاقات کنند، خانه‌ای در مدینه نماند مگر آنکه در آن خانه فردی مسلمان و پیرو پیامبر(ص) یافت می‌شد. در سال بعد، دوازده نفر به نمایندگی از مردم مدینه با پیامبر(ص) ملاقات و با وی بیعت کردند. این اولین بیعتی بود که به‌طور جمعی با پیامبر(ص) انجام پذیرفت. هیئت نمایندگی مدینه به وطن بازگشت و این بار بر اثر دعوت و تبلیغ آنان، دو قبیلهٔ اوس و خزرج که سال‌ها دشمنی و جنگ در میانشان حاکم بود، به برکت اسلام متحد شدند و از پیامبر(ص) خواستند که یکی از مسلمانان آگاه و قرآن‌شناس را برای تعلیم آنان به مدینه گسیل کند. پیامبر(ص) مصعب بن عمیر را اعزام کرد. سال بعد بیش از هفتاد مسلمان به نمایندگی از مردم مدینه همراه با جمعیتی بالغ بر پانصد نفر، راه مکه را پیش گرفتند و با پیامبر(ص) بیعت کردند (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۲۹۸).

مهم‌ترین سفر دیپلماتی و تبلیغی پیامبر(ص) که بزرگ‌ترین دستاورد را در دیپلماسی عمومی پیامبر(ص) برجا گذاشت و اساساً از آن پس، مبدأ تاریخ همه مسلمانان جهان گردید، هجرت تاریخی پیامبر(ص) از مکه به مدینه است که منجر به تشکیل و رسمیت یافتن اولین دولت اسلامی توسط شخص پیامبر(ص) شد. حتی پس از برپایی حکومت اسلامی در مدینه و به‌کارگیری روش‌های معمول دیپلماسی رسمی، آن حضرت (ص) همچنان به ادامه دیپلماسی عمومی خود پایبند بود و حتی پس از فتح مکه و تحکیم قدرت نظام اسلامی، ارتباط‌گیری مستقیم با مردم، نخبگان و نمایندگان در قالب دیپلماسی عمومی همچنان ادامه پیدا کرد تا آنجا که به علت گسترش دامنه چنین ارتباطاتی، سال نهم هجری توسط تاریخ‌دانان با عنوان «عام الوفود» نام‌گذاری شده است.

۲-۱-۲. روش فرهنگی-تبلیغاتی (اعزام مبلغان)

دومین روش مورد استفاده در دیپلماسی عمومی حضرت پیامبر(ص)، استفاده از ابزار فرهنگی-تبلیغاتی (اعزام مبلغان) بوده است. در این شیوه، پیامبر(ص) از طریق فرستادگان خود به‌طور غیرمستقیم با مردم ارتباط برقرار می‌کرد و آن‌ها را به اسلام دعوت می‌کرد. شاید بتوان اولین مبلغان اسلام را گروهی از مسلمانان دانست که به حبشه هجرت کردند. این هجرت ضمن آنکه باعث حفظ عقاید و تأمین آزادی این گروه مهاجر شد، زمینه گسترش اسلام را در خارج از شبه‌جزیره عربستان فراهم آورد. به گفته بسیاری از مستشرقان، هجرت به حبشه یکی از بزرگ‌ترین عوامل مؤثر گسترش اسلام در جهان بوده است. تلاش نمایندگان قریش برای بازگرداندن دسته دوم مسلمانان که به حبشه مهاجرت کرده بودند و استدلال‌های جعفر بن ابی‌طالب نماینده مسلمانان در مورد اسلام و آشنا کردن پادشاه حبشه با مبانی این دین، باعث تمایل وی به اسلام و شکست و ناکامی قریش گردید و زمینه گسترش اسلام در خارج از عربستان را فراهم کرد (همان: ۲۹۹).

همچنین در این زمینه می‌توان از اعزام مصعب بن عمیر به عنوان مبلغ اعزامی از سوی پیامبر(ص) برای آشنا ساختن مردم یثرب با اسلام و قرآن نیز نام برد که این سفر تبلیغی زمینه‌ساز انعقاد پیمان عقبه دوم بین پیامبر(ص) و مردم این شهر گردید و مقدمات هجرت تاریخی آن حضرت را به مدینه را فراهم ساخت (واقعی، ۱۳۷۴: ۲۲۳). علاوه بر این، در زمان حضور پیامبر(ص) در مدینه و در زمانی که غزوات و سرایا با کفار و مشرکان شدت گرفته بود، دیپلماسی عمومی در چارچوب اعزام مبلغان همچنان ادامه داشت؛ برای مثال، در این مقطع پیامبر(ص) حضرت علی(ع) را برای دعوت مردم یمن به آن منطقه فرستاد که با دعوت و اقدامات فرهنگی و تبلیغی آن حضرت، بسیاری از مردم یمن اسلام آوردند. مبلغ دیگری که به جانب یمن اعزام شد، معاذ بن جبل بود. پیامبر(ص) زمانی که معاذ بن جبل را به یمن فرستاد، از او خواست تا اهل کتاب آن دیار را به توحید دعوت کند؛ اگر پذیرفتند آن‌ها را به نمازهای

یومیه، آنگاه به روزهٔ رمضان و پس از آنکه همهٔ این‌ها را پذیرفتند، به پرداخت زکات دعوت کند (ابن ابی شیبیه، ۱۹۸۱: ۲۱۶).

شیوهٔ دیگری که در دیپلماسی عمومی توسط پیامبر(ص) مورد استفاده می‌شد، استفاده از مبانی مشترک فرهنگی میان مسلمانان و مشرکان بود. حج یکی از این مبانی مشترک بود. پیامبر(ص) با استفاده از این شیوه توانست بزرگ‌ترین موفقیت را در دیپلماسی عمومی خویش پس از هجرت به مدینه به دست آورد. استفاده از این شیوه، به انعقاد پیمان صلح حدیبیه میان پیامبر(ص) و قریش منجر شد و این امر در نهایت، زمینه را برای گسترش اسلام در میان اقوام و طوایف مختلف عرب فراهم کرد. در سال ششم هجری پیامبر(ص) همراه عده‌ای از مسلمانان برای انجام عمرهٔ مفرده بدون همراه داشتن سلاح نظامی به طرف مکه رفت و در محلی نزدیک مکه به نام حدیبیه توقف کرد. قریش می‌خواست مانع ورود پیامبر(ص) به مکه بدون توسل به جنگ شود؛ به همین دلیل نمایندگان از هم‌پیمانان خود را برای مذاکره با پیامبر(ص) فرستاد. یکی از این افراد «حلیس بن علقمه» رئیس قبیلهٔ احابیش بود. او زمانی که متوجه شد نیت واقعی پیامبر(ص) انجام مراسم حج است، به نزد قریش برگشت و به آن‌ها گفت که ما با شما برای سد کردن راه چنین مردمی که برای اعظام خانهٔ خدا و ادای حق آن می‌آیند، پیمان نبسته‌ایم. سپس تهدید کرد اگر مانع این افراد شوید، من با تمام افراد قبیله‌ام به کناری خواهم رفت (الواقدی، ۱۳۷۶: ۵۹۹). حضور پیامبر(ص) در مکه و قصد آن حضرت برای انجام مراسم حج، به اعراب نشان داد که پیامبر(ص) و یارانش هم مانند آن‌ها مکه را محترم می‌شمرند. بدین ترتیب، قریش که کلیددار کعبه بود، چنانچه به پیامبر(ص) تحت هیچ شرایطی اجازهٔ ورود به مکه را نمی‌داد، مورد سرزنش اعراب قرار می‌گرفت (ابن ابی شیبیه، ۱۹۸۱: ۳۸۲). از این رو، قریش مجبور به پذیرش خواستهٔ پیامبر(ص) و انعقاد صلح با ایشان شد؛ صلحی که به نام «صلح حدیبیه» معروف گردید و پیروزی بزرگی برای مسلمانان و دیپلماسی عمومی پیامبر(ص) محسوب گردید.

۲-۱-۳. روش حقوقی (انعقاد پیمان‌ها و قراردادهای سیاسی)

به دنبال فتح مکه و فراغت پیامبر اعظم(ص) از کار قریش، آن حضرت (ص) فرصت پیدا کرد تا با فرستادگان قبایل و طوایف فعال‌تر مذاکره کند و معاهدات، پیمان‌ها و قراردادهایی با آن‌ها منعقد کند. یکی از معاهدات رسول خدا (ص)، پیمانی است که بین آن حضرت و نصارای نجران منعقد شد. نجران با هفتاد دهکدهٔ تابع خود، در منطقهٔ مرزی حجاز و یمن واقع شده بود و در آغاز ظهور اسلام، تنها منطقهٔ مسیحی‌نشین حجاز محسوب می‌شد که از بت‌پرستی دست برداشته و به آیین مسیح گرویده بود. پیامبر(ص) با فرستادن نامه‌ای به ابوحارثه اسقف نجران، ساکنان آن دیار را به پذیرش دین مبین اسلام فرا خواند و به دنبال آن، هیئت نمایندگی نجران به مدینه آمدند تا با پیامبر(ص) گفت‌وگو کنند و صحت و سقم نبوت آن حضرت (ص) را نیز

بررسی کنند. پس از گفت‌وگوی فراوان در مورد حقانیت اسلام و نبوت پیامبر(ص)، نمایندگان نجران مذاکرات خود را با رسول خدا قانع‌کننده نیافتند و هر دو طرف آمادگی خود را برای مباحثه اعلام کردند. در این هنگام آیه مباحثه نازل گردید و رسول خدا (ص) را مأمور کرد تا با کسانی که با او به مجادله بر می‌خیزند و زیر بار حق نمی‌روند، مباحثه کند.

پیامبر اسلام (ص) برخلاف انتظار سران هیئت نمایندگی نجران، همراه با چهره‌های نورانی یعنی حضرت علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم‌السلام) آمدند. مسیحیان به این نتیجه رسیدند که پیامبر(ص) در دعوت و ادعای خویش اعتقادی راسخ دارد. سرانجام، با وحشت و خودداری از انجام مباحثه، پیمان صلح بین آنان و مسلمانان امضاء شد و مسیحیان متعهد شدند سالیانه به دولت اسلامی مالیات بپردازند. در برابر آن، پیامبر(ص) نیز مسئولیت دفاع و جلوگیری از هرگونه ظلمی از طرف مسلمانان به مسیحیان نجران و آزادی آنان را در مراسم مذهبی بر عهده گرفت (موسوی، ۱۳۸۲: ۱۱۴).

۲-۱-۴. روش اقتصادی (تألیف قلوب)

اصطلاح «تألیف قلوب»، برگرفته از آیاتی از قرآن است و به معنای اختصاص دادن بخشی از غنایم و منابع مالی دولت اسلامی برای جذب قلوب و ایجاد ذهنیت مثبت نسبت به تعالیم اسلامی در برخی افراد و گروه‌های مستعد است. بر اساس آیه ۶۰ سوره توبه، موارد مصرف زکات منحصر به هشت گروه که عبارت از فقیران، عاجزان، مسکینان، متصدیان اداره صدقات، برای تألیف قلوب، آزادی بندگان، قرض دادن در راه خدا و در راه‌ماندگان است (سجادی، ۱۳۸۱: ۱۷۹). پیامبر(ص) در موارد متعددی از این ابزار اقتصادی برای پیشبرد دیپلماسی عمومی خود در جهت گسترش اسلام بهره گرفته است؛ از جمله در سال نهم هجری، زمانی که هیئت‌هایی نمایندگی به نزد آن حضرت (ص) می‌آمدند، پیامبر(ص) ضمن آنکه هدایایی به آن‌ها اعطاء می‌کرد به درخواست‌های مالی کسانی هم که نیازهایی را مطرح می‌کردند، پاسخ مثبت می‌داد و سرزمین‌هایی را برای آنان اقطاع می‌کرد. این سرزمین‌ها پس از اقطاع در اختیار اشخاص یا قبایلی قرار می‌گرفت و کسان دیگری حق تصرف در آن‌ها را نداشتند. در بیشتر موارد، انگیزه این اقطاع‌ها تألیف قلوب بوده است (داداش‌نژاد، ۱۳۸۵: ۴۱۰).

در جنگ طائف، به اشراف و بزرگانی که تازه مسلمان شده بودند یا مشرکانی که به آن حضرت(ص) کمک کرده بودند، از غنایم جنگی بیش از دیگران سهم داده شد تا موجب جلب نظر آن‌ها و قبیله و فامیلشان به اسلام و مسلمانان شود. همچنین پس از جنگ طائف، هنگامی که پیامبر(ص) متوجه شد مالک بن عوف با قبیله ثقیف به طائف رفته است، فرمود به او اطلاع دهید که اگر مسلمان شود و به نزد من بیاید، دارایی و زن و فرزند او را با صد شتر به او خواهم داد و مالک چون این خبر را شنید، نزد پیامبر(ص) آمد و مسلمان گردید (جلیلی، ۱۳۷۴: ۹۰).

در تعاملات و ارتباطات فردی نیز پیامبر(ص) از این شیوه در دیپلماسی عمومی خود استفاده می‌کرد؛ برای مثال، «جارود بن عمرو» که به کیش نصرانیت بود، به نزد پیامبر(ص) آمد و پیامبر(ص)، اسلام را بر او عرضه کرد. وی در پاسخ آن حضرت گفت: «ای محمد من قرضی دارم و اکنون می‌خواهم به سبب دین تو دست از کیش خود بردارم؛ آیا پرداخت قرض من را بر عهده می‌گیری؟» پیامبر(ص) فرمود «آری من ضمانت می‌کنم؛ زیرا خدا تو را به دین بهتری هدایت نموده است» (همان: ۹۱).

۲-۱-۵. روش بشر دوستانه

یک. ایجاد اطمینان و امنیت در میان مخالفان

مکه مهم‌ترین پایگاه مشرکان بود و تصرف آن توسط مسلمانان می‌توانست زمینه را برای گسترش سریع اسلام در میان سایر اقوام و قبایل فراهم کند. پس از آنکه قریش پیمان شکنی کرد و برخلاف پیمان صلح حدیبیه به قبیله بنی‌بکر برای حمله به قبیله خزاعه کمک کرد، پیامبر(ص) مصمم شد که مکه را فتح کند. آنچه که در فتح مکه قابل توجه است، به کارگیری دیپلماسی عمومی هوشمندانه‌ای توسط پیامبر(ص) بود که زمینه را برای فتح بدون خونریزی مکه فراهم کرد. در واقع، هنگامی که سپاهیان اسلام وارد مکه شدند، پیامبر(ص) دستور داد اعلام کنند هرکس به خانه خود برود یا به مسجد الحرام پناه برد و یا در خانه ابوسفیان باشد، در امان است. این اعلام که به کفار امنیت جانی و مالی می‌داد، باعث شد که مقاومت چندانی در مقابل سپاه اسلام صورت نگیرد و مشرکان پراکنده شوند و مکه بدون جنگ به تصرف مسلمانان درآید.

دو. عتق و فک رقبه

از نظر اسلام، انسان دارای کرامت است و به عنوان اشرف مخلوقات، می‌تواند به خلیفه خدا در روی زمین، تبدیل شود. در این شریعت مقدس، اصل بر آزادی انسان است و بردگی و برده‌داری یک امر غیرطبیعی و عارضی تلقی می‌شود که خلاف نظام آفرینش خداوند است. اسلام به این پدیده به مثابه یک بیماری اجتماعی نگریسته و با آن مخالفت کرده است. یکی از شیوه‌هایی که اسلام برای مبارزه با این معضل اجتماعی برگزیده است، فک رقبه است. «فک» به معنای آزاد یا جدا کردن دو چیز از هم است و «رقبه» جمع «رقاب» به معنای بردگان است. عتق را از آن جهت «فک» گویند که آزادکننده است و میان بنده و ملکیت جدایی می‌اندازد (موسوی، ۱۳۸۲: ۱۲۰-۱۲۲).

با شروع جهاد با ستمگران و حکومت‌های کفر، برنامه بسیار منطقی «فک رقبه» اسلام نیز در راستای گسترش دیپلماسی عمومی آغاز شد؛ زیرا پیام اسلام و ارتش اسلامی به بردگانی که زیر سلطه حکومت کفار ستمگر زندگی می‌کردند، این بود که برده‌ها به محض پذیرش اسلام و

سریچی از اطاعت صاحبان خود آزاد می‌شوند (شکوری، ۱۳۷۷: ۳۹۵). آزادی برده در اسلام، به ابتدای ظهور اسلام در مکه باز می‌گردد. یکی از سوره‌هایی که در مکه نازل شد، سوره بلد بود. این سوره را می‌توان در آن شرایط، اعلام برنامه و بیان مواضع اسلام و پیامبر(ص) نسبت به بردگی، بردگان، ایتام، مساکین و محرومان تلقی کرد. خداوند در این سوره ابتدا از شهر مکه و اهمیت آن سخن می‌گوید و به آن سوگند یاد می‌کند و سپس مسئله تولد و حرکت و تحول را مطرح می‌کند و به آن سوگند یاد می‌کند و به هدایت و گمراهی انسان و امکانات خدادادی جسمی او اشاره می‌کند و انسان را به عنوان موجودی که زاییده و مولود رنج است، معرفی می‌کند. آنگاه به عقبه‌ها یعنی گردنه‌ها و فرازهای اجتماعی و تاریخی که باید انسان مسلمان از آن عقبه‌ها بگذرد، اشاره می‌کند و به عنوان نمونه، فک رقبه و آزادی بردگان و اطعام یتیمان و مسکینان را مصادیق این عقبه‌ها ذکر می‌کند و می‌فرماید: اگر انسان مسلمان این عقبه‌ها را طی کند، آنگاه جزء مؤمنان قرار گرفته و در گروه‌بندی اجتماعی و یا اخروی، از اصحاب میمنه شمرده خواهد شد (شکوری، ۱۳۷۷: ۳۹۵).

سه. جایگاه زنان

در نهایت، روش بشردوستانه دیگری که در پذیرش دعوت اسلام و پیشبرد دیپلماسی عمومی پیامبر(ص) نقش مهمی ایفا کرد، توجه اسلام به جایگاه زنان بود. اعراب در دوران پیش از اسلام، ارزشی برای زن قائل نبودند دختران خود را زنده به‌گور می‌کردند. پیامبر(ص) بعد از رسالت خود این سنت جاهلی را مردود شمرد و زن را نیز عضوی مؤثر و ارزشمند از افراد جامعه معرفی کرد؛ عضوی که حق انتخاب و تعیین سرنوشت خود را دارد. اسلام به زنان نقش و ارزش اجتماعی و سیاسی بخشید و به آن‌ها اعتبار داد. بیعت آن‌ها با پیامبر(ص) در امور رهبری و حکومتی، نشانگر توجه خاص اسلام به زنان و پذیرش حق آن‌ها در مسائل اجتماعی و سیاسی بود (جعفریان، ۱۳۶۷: ۲۵۲-۲۵۳). این اقدام بشردوستانه پیامبر(ص) اسلام، روش مؤثر دیگری در دیپلماسی عمومی آن حضرت در جهت گسترش دعوت اسلامی در بین زنان به عنوان نیمی از اعضای جوامع بشری، تلقی می‌گردد.

نتیجه‌گیری

این مقاله در ابتدا به بیان تعاریف و مبانی دیپلماسی عمومی پرداخت و روش‌های به‌کار گرفته شده در این شکل از دیپلماسی را بررسی کرد. در بحث از دیپلماسی عمومی در اسلام و در تعاملات سیاسی پیامبر(ص) با اعضای جوامع دیگر، بیان شد که دیپلماسی عمومی در دهه‌های اخیر در دنیای غرب موضوعیت پیدا کرده و مورد توجه قرار گرفته است، ولی دین اسلام از همان ابتدای ظهور خود از دیپلماسی عمومی به منظور دعوت ملت‌ها، اقوام و قبایل دیگر به اسلام و پذیرش توحید و یکتاپرستی استفاده کرده است. پیامبر(ص) چه در سال‌های اقامت

خود در مکه پس از بعثت خویش، و چه در سال‌های استقرار دولت خود در مدینه پس از هجرت، در کنار به‌کارگیری دیپلماسی به مفهوم سنتی، همزمان از دیپلماسی عمومی در راستای اثرگذاری بر مردم، نخبگان و گروه‌های غیردولتی استفاده می‌کرده است. این شیوه دیپلماسی، با تشکیل حکومت اسلامی در مدینه نه تنها کم‌رنگ‌تر نشد، بلکه به شکلی گسترده‌تر و در ابعادی وسیع‌تر همچنان مورد استفاده پیامبر(ص) قرار می‌گرفت؛ به گونه‌ای که پیامبر(ص) حتی در زمان جنگ نیز با استفاده از این نوع دیپلماسی تلاش می‌کرد تا با مردم و افکار عمومی ارتباط برقرار کرده و ضمن دعوت آن‌ها به اسلام، مروج صلح‌طلبی و مانع بروز جنگ شود. بدین ترتیب، می‌توان گفت که دیپلماسی عمومی در اسلام دارای پیشینه‌ای طولانی است، به طوری که حتی اولویت و قدمت آن در اسلام، بیشتر از دیپلماسی سنتی است.

اکنون و در زمان حاضر که از دیپلماسی عمومی در غرب و به شیوه‌هایی جدید استفاده می‌شود و کشورهای غربی توانسته‌اند از طریق آن با کمترین هزینه به اهداف مورد نظر خود دست یابند، شایسته است که کشورهای اسلامی و به‌ویژه نظام جمهوری اسلامی با توجه و رجوع به پیشینه دیپلماسی عمومی در اسلام، در کنار استفاده از دیپلماسی سنتی از دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی خود استفاده کنند و ارتباط و تعامل با ملت‌ها، نخبگان، گروه‌ها و سازمان‌های غیردولتی اثرگذار را در محور تلاش‌های دیپلماتی خود در راستای بسط و گسترش پیام دین الهی اسلام و اهداف انسانی و متعالی انقلاب اسلامی قرار دهند؛ زیرا امروزه مجاب‌سازی ملت‌ها و تسخیر افکار عمومی از راه توسل به فطرت حق‌طلبانه و عدالت-خواهانه انسان‌ها می‌تواند بیشترین تأثیر را در جهت تغییر گرایش‌ها و رفتارهای حکومت‌ها و حاکمان غیردینی ایجاد کند.

منابع

- آشوری، داریوش. (۱۳۷۳)، *دانشنامه سیاسی*، مروارید.
- آقابخشی، علی و مینو افشاری‌راد. (۱۳۸۳)، *فرهنگ علوم سیاسی*، چاپار.
- ابن ابی شیبیه، عبدالله بن محمد. (۱۹۸۱)، *المصنف*، ج ۷، بمبئی: دارالسلفیه.
- ابن هشام، عبدالملک. (۲۰۰۰)، *السیرة النبویة*، ج ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۹۷۷)، *انساب الاشراف*، ج ۱، بیروت.
- جعفریان، رسول. (۱۳۶۷)، *تاریخ سیاسی اسلام (تا سال چهارم هجری)*، ج ۲، چاپ دوم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۷)، *تاریخ سیاسی اسلام (سیرة رسول خدا)*، ج ۲، جلد اول، چاپ هفتم، قم: دلیل ما.
- جلیلی، سعید. (۱۳۷۴)، *سیاست خارجی پیامبر(ص)*، چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

حیدری آقایی، محمود. (زمستان ۱۳۸۳)، «تاریخ قبیلهٔ ثقیف (از ظهور اسلام تا رحلت رسول خدا (ص))»، تاریخ در آئینه پژوهش، سال اول، ش ۴.

داداش‌نژاد، منصور. (۱۳۸۵)، «بررسی نکات اصلی وفود در سیرهٔ نبوی»، پژوهشی در سیرهٔ نبوی (مجموعهٔ مقالات)، چاپ دوم، قم: زیتون.

سجادی، سید عبدالقیوم. (بهار ۱۳۸۲)، «دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام (۳)»، علوم سیاسی، ش ۲۱، سال ۶.

سجادی، سید عبدالقیوم. (زمستان ۱۳۸۱)، «دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام (۲)»، علوم سیاسی، سال ۵، ش ۲۰. سلطانی‌فر، محمد. (شهریور ۱۳۸۶)، «رسانه‌ها و دیپلماسی عمومی»، خراسان.

السمهودی، نورالدین علی بن احمد. (۱۹۵۵)، *وفاء الوفاء*، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه.

شکوری، ابوالفضل. (۱۳۷۷)، *فقه سیاسی اسلام*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۷۹)، *فقه سیاسی: حقوق تعهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام*، سمت.

کگلی، چارلز دبلیو و ویتکف اوجین آر. (۱۳۸۲)، *سیاست خارجی آمریکا، ترجمهٔ اصغر دستمالچی*، وزارت امور خارجه.

موسوی، سیدمحمد. (۱۳۸۲)، *دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام*، باز.

مولانا، حمید. (آبان ۱۳۸۳)، «جایگاه ایران در فناوری هسته‌ای»، کیهان.

میرزاخانی، حسین. (۱۳۶۹)، *گزیده‌های از تاریخ تحلیلی اسلام*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

میناوند، محمد علی. (۱۳۸۳)، «درآمدی بر دیپلماسی افکار عمومی»، *همشهری دیپلماتیک*، ش ۴۴.

واقدی، محمد بن سعد. (۱۳۷۴) *طبقات*، محمود مهدوی دامغانی، ج ۸، فرهنگ و اندیشه.

الواقدی، محمد بن عمر. (۱۳۷۶)، *المغازی*، ج ۲، قم: انتشارات حوزهٔ علمیه.

ولف، چارلز و روزن برایان. (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۴)، «دیپلماسی عمومی: بوسهٔ مرگ»، ترجمهٔ علی گل محمدی، *ماهنامهٔ اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر*، ش ۳۱ و ۳۲، سال ۴.

Leonard, Mark. (2002), *Public Diplomacy*, New York: The Foreign Policy Center.

Melissen, Jan. (2005), *The New Public Diplomacy: Soft Power in International Relations*, New York:

Palgrave Macmillan.

Richmond, Yale. (2008), *Practicing Public Diplomacy*, Oxford and New York: Berglahen Books.

Snow, Nancy and Tylor, M. (2009), *Routledge Handbook of Public Diplomacy*, New York: Routledge.

Bigler, Gene (2005), "Advancing public Diplomacy: One Advocate ArA time", Finaxial time.